

اخبار
فرماندهی انتظامی تهران بزرگ خبر داد
کاهش ۳۳ درصدی زور گیری‌ها در پایتخت

فرماندهی انتظامی تهران بزرگ از کاهش ۳۳ درصدی زورگیری‌ها در پایتخت خبر داد. سردار عباسعلی محمدیان در گفت‌وگو با ایسا با اعلام این خبر به مردم که امسال ۳۳ درصد از میزان زورگیری‌ها در پایتخت کاهش یافته است، درباره علت این کاهش زورگیری، افزود: علت کاهش این جرم‌ها این است که پلیس به شدت با این افراد برخورد می‌کند و بدون شوخی به آنها شلیک می‌کنیم. فرمانده انتظامی تهران بزرگ ادامه داد: این افراد مورد هدف گلوله قرار می‌گیرند و بدانند که پلیس با آنها برخورد جدی دارد. سردار محمدیان گفت: در همین ۴۸ ساعت گذشته، ۵ سارق در تهران مورد هدف گلوله پلیس قرار گرفته و دستگیر شده‌اند. وی خطاب به شهروندان افزود: به مردم می‌گویم که نگران نباشند چون پلیس در صحنه است و با تمام مجرمان برخورد می‌کند.
سامانه بار کدخوان اموال شهرداری تهران راه‌اندازی شد

مدیرکل امور مالی و اموال شهرداری تهران، گفت: سامانه بارکدخوان اموال شهرداری تهران در راستای حفظ و صیانت مؤثر از دارایی‌ها و انطباق مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به گزارش ایسا، آیین رونمایی از سامانه بارکدخوان اموال شهرداری تهران در حضور معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران، مدیران کل حوزه معاونت مذکور و معاونین مالی و اقتصاد شهری مناطق ۲۲گانه برگزار شد. در حاشیه این مراسم رضایی‌فر مدیرکل امور مالی و اموال شهرداری تهران اظهار کرد: این اقدام در راستای عمل به تکلیف مندرج در دستورالعمل شناسایی و پلاک کوبی اموال در شهرداری‌ها، ابلاغی از سوی وزارت کشور و با همکاری سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام گرفت. بر اساس گزارش سایت شهر، وی در ادامه گفت: با راه‌اندازی سامانه بارکدخوان، از این پس به خریدهای سرمایه‌ای واحدها، برجسپه‌های بارکددار الصاق خواهد شد. همچنین عملیات اموال گردانی و صدور تسویه حساب‌اموال جهت جابجایی‌های درون سازمانی و بازنشستگی افراد نیز به صورت مکانیزه پس از انجام کنترل‌های لازم از طریق سیستم مذکور انجام خواهد شد.

رسول صادقی، رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور با اشاره به تحولات جمعیت ایران به ایستا، اظهار کرد: در ابتدای قرن چهاردهم هجری شمسی، ایران در شرایطی قرار داشت که هم میزان مرگ و میر و هم میزان باروری بالا بود؛ در آن دوره، رشد جمعیت به دلیل بالا بودن همزمان این دو شاخص، در سطح پایین‌تری قرار داشت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه در دهه ۶۰ ، به دنبال بهبود وضعیت بهداشت و سلامت و کاهش مرگ و میر، رشد جمعیت به‌شدت افزایش یافت. در آن مقطع، مباحث و سیاست‌گذاری‌های جمعیتی کشور عمدتاً بر باروری بالا، جوانی جمعیت و کنترل موالید متمرکز بود. در واقع، دغدغه اصلی مسئولان، مهار رشد بالای جمعیت و جلوگیری از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن بود. وی در پاسخ به این سوال که در حال حاضر و در آستانه قرن پانزدهم، وضعیت جمعیت به چه شکل تغییر کرده است؟، ادامه داد: در قرن پانزدهم هجری شمسی، ایران وارد وضعیت جمعیت‌شناختی تازه‌ای شده است که می‌توان گفت تا حدود زیادی معکوس دوره قبل است. اکنون با پدیده باروری پایین و افزایش نسبت سالمندان مواجه هستیم. بنابراین، پارادایم سیاست‌گذاری جمعیتی هم از کنترل موالید و مهار رشد جمعیت، به سمت تشویق فرزندآوری، حمایت از خانواده و افزایش بیشتر جمعیت تغییر یافته است. از این‌رو، همواره فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی در حال دگرگونی‌اند و سیاست‌گذاری‌های کلان نیز باید متناسب با این تغییرات تنظیم شوند.

رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور ایران با بیان اینکه تغییرات جمعیت و افزایش جمعیت سالمندی ایران تنها خاص کشور ما نیست و همه کشورها نیز با این تغییرات جمعیتی روبرو می‌شوند، گفت: در حال حاضر، امید زندگی در ایران حدود ۷۶ سال است؛ این عدد نسبت به ۴۰ سال گذشته افزایش قابل‌توجهی داشته و در حوزه سلامت عمومی، یک دستاورد مثبت محسوب می‌شود اما در زمینه باروری از دهه ۸۰ به بعد، میزان باروری در کشور به جز یک مقطع کوتاه در نیمه اول دهه ۹۰، همواره زیر سطح جایگزینی (۲٫۱ فرزند به ازای هر زن) قرار داشته است. این روند نزولی پس از همه‌گیری کووید-۱۹ نیز ادامه پیدا کرد. بر اساس آخرین برآوردها، میزان باروری کل ایرانی‌ها حدود ۱٫۵ و در برخی مناطق کشور کمتر از ۱٫۵ است.

صادقی با اشاره به تغییر این روند در چهار دهه گذشته، یادآور شد: در اوایل دهه ۶۰، میزان باروری کل کشور بیش از ۶٫۵ فرزند به ازای هر زن بود. در دهه ۸۰ این میزان به کمتر از ۲ رسید و در نیمه اول دهه ۹۰، باروری در حوالی عدد ۲ تثبیت شد اما از سال ۱۳۹۶ به بعد، روند نزولی دوباره آغاز شد و اکنون به عدد پایین‌تر از ۱٫۵ رسیده است. باید توجه داشت که این رقم بدون در نظر گرفتن جمعیت مهاجر افغانستانی محاسبه شده و اگر آن را در محاسبات لحاظ کنیم، عدد کمی متفاوت خواهد شد.

وی ادامه داد: اما نرخ رشد جمعیت در حال حاضر حدود ۰٫۶ درصد است؛ نرخ رشد جمعیت با میزان باروری متفاوت است. نرخ رشد جمعیت حاصل تفاضل تعداد موالید و تعداد فوت‌شدگان در یک سال است که به آن رشد طبیعی می‌گویند. اگر مولفه مهاجرت نیز به آن افزوده شود، رشد

مطلق جمعیت به دست می‌آید. به دلیل باروری پایین و افزایش مرگ و میر ناشی از سالمندی جمعیت، روند نرخ رشد جمعیت قطعاً در سال‌های آینده نزولی خواهد بود.

رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور در ادامه به وضعیت پنجره جمعیتی که در مطالعات جمعیت‌شناسی از آن به عنوان دوره‌ای که در آن بیش از دوسوم جمعیت یک کشور در سن کار (۱۵ تا ۶۴ سال) قرار دارند، یاد می‌شود، اشاره کرد و افزود: این وضعیت یک فرصت طلایی برای رشد اقتصادی و ارتقای شاخص‌های توسعه است. ایران از سال ۱۳۸۵ وارد پنجره جمعیتی شده است و برآورد می‌شود که این وضعیت تا حدود سال ۱۴۲۰ تا ۱۴۲۵ ادامه داشته باشد. یعنی حدود ۲۰ سال را پشت سر گذاشته‌ایم و ۱۵ تا ۲۰ سال آینده در این فاز خواهیم بود. اما نکته کلیدی اینجاست که صرف حضور در پنجره جمعیتی به تنهایی کافی نیست؛ مهم این است که چگونه از این فرصت در جهت تولید ثروت، توسعه منابع انسانی و ارتقای زیرساخت‌های کشور بهره ببریم. بنابر اظهارات صادقی، در سال ۱۳۸۵، سهم جمعیت در سن فعالیت در ایران، حدود ۷۰ درصد بود. در حال حاضر این رقم به حدود ۶۷ درصد رسیده است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۴۲۰، این سهم به حدود ۶۰ درصد کاهش خواهد یافت. در مقابل، سهم جمعیت سالمند که هم‌اکنون کمتر از ۱۰ درصد است، در دو دهه آینده به حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت. این تغییر ترکیب سنی جمعیت، پیامدهای

قطعه پازل حمایت از جمعیت خانواده‌ها گم شده است

ایران در آستانه سالخوردگی

در حالی ایران در اوایل قرن پانزدهم هجری شمسی قرار دارد که تحولات جمعیتی این کشور در چهار دهه گذشته، یکی از پرسرعت‌ترین تغییرات در تاریخ معاصر را تجربه کرده است، چراکه از میزان باروری شمسی بیش از ۶٫۵ تا دهه ۶۰ کاهش آن به کمتر از ۱٫۵ در سال‌های اخیر؛ از جامعه‌ای جوان و در حال رشد به جامعه‌ای در آستانه سالخوردگی تبدیل شده است.



افزایش امید

زندگی در

ایران تاکنون

بیشتر ناشی از

کاهش مرگ و

میر نوزادان و

کودکان بوده

است اما در

آینده، این

افزایش عمدتاً

به دلیل کاهش

مرگ و میر

در سالمندان

و کاهش

تصادفات و

مرگ‌های

زودرس در

جوانان خواهد

بود

به گفته وی، افزایش امید زندگی در ایران تاکنون بیشتر ناشی از کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان بوده است اما در آینده، این افزایش عمدتاً به دلیل کاهش مرگ و میر در سالمندان و کاهش تصادفات و مرگ‌های زودرس در جوانان خواهد بود. اگر بتوانیم سبک زندگی سالم را در جامعه نهادینه کنیم و مرگ ناشی از حوادث و بیماری‌های غیرواگیر را کاهش دهیم، امید زندگی در کشور می‌تواند ۴ تا ۵ سال دیگر افزایش پیدا کند. پیش‌بینی می‌شود که در دو دهه آینده، امید زندگی در ایران برای زنان به حدود ۸۲ سال و برای مردان به بیش از ۷۸ سال طی دو دهه آینده برسد.

اما چرا سیاست‌های تشویقی جمعیتی در ایران هنوز نتوانسته‌اند اثربخش باشند؟؛ صادقی در این باره این طور توضیح داد: یکی از دلایل مهم، تورم بالا و شرایط اقتصادی دشوار است که اثربخشی بسیاری از مشوق‌ها را عملاً بی‌اثر کرده است. موضوع دیگری که کمتر به آن پرداخته شده، خدمات مراقبت از کودک است. در بسیاری از کشورها، مهدکودک‌های با کیفیت و مقرون به‌صرفه با حمایت دولت راه‌اندازی شده که بخشی از دغدغه والدین برای فرزندآوری را کاهش داده است در حالی که در کلان‌شهرهای ما، مهدکودک‌های مناسب و ارزان‌قیمت عملاً وجود ندارند. از سوی دیگر، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، هنوز نتوانسته به‌طور جامع همه موانع فرزندآوری را پوشش دهد و در برخی حوزه‌ها نیاز به بازنگری و اصلاح جدی دارد.

اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی جدی برای کشور خواهد داشت و از همین رو از امروز باید برای آن برنامه‌ریزی کنیم.

وی در ادامه در پاسخ به سوالی درخصوص تغییرات سن ازدواج در ایران و وضعیت تجمرد در جامعه، گفت: در چهار دهه اخیر، میانگین سن ازدواج در ایران به طور متوسط در هر دهه، حدود یک سال افزایش یافته است. برای دختران، میانگین سن ازدواج از حدود ۲۰ سال در دهه ۶۰ به ۲۴ سال در حال حاضر رسیده است. در مورد پسران نیز این عدد از ۲۴ سال به ۲۸ سال افزایش یافته است. افزون بر این، پدیده تجمرد در جامعه افزایش قابل توجهی داشته است. در سال ۱۳۶۵، تنها ۶ درصد از دختران ۲۵ تا ۲۹ ساله مجرد بودند که این رقم در حال حاضر به ۲۶ درصد رسیده است. برای پسران نیز، این میزان از حدود ۲۰ درصد در آن سال‌ها، به بیش از ۵۰ درصد در سال ۱۳۹۹ تا ۲۵ سال‌ها افزایش یافته است. رئیس موسسه تحقیقات جمعیت کشور ایران با اشاره به عوامل مؤثر در این افزایش تجمرد و بالاافتن سن ازدواج، بخشی از این موضوع را ناشی از دلایل اقتصادی عنوان کرد و گفت: بر اساس پیمایش‌های ملی، مهم‌ترین موانع ازدواج در کشور بیکاری، نبود شغل پایدار و تورم بالاست. نمی‌توان از دلایل اجتماعی و فرهنگی نیز غافل شد. در سال‌های اخیر، تغییر سبک زندگی، فردگرایی و گرایش به آزادی‌های فردی در نسل جدید افزایش یافته و همین امر اهمیت ازدواج را در مقایسه با نسل‌های گذشته کاهش داده است.

«اهدای عضو» نیازمند فرهنگ‌سازی گسترده

خاکسپاری سالانه ۷۰۰۰ عضو پیوندی در ایران

اینکه خانواده‌های افراد مرگ مغزی نسبت به انجام عمل پیوند عضو دیرنگام رضایت می‌دهند، میزان پیوند عضو در کشور نسبت به کشورهایی که در این زمینه فعالیت کرده‌اند، کمتر است.

جایگاه ایران از منظر پیوند عضو در سطح جهان

او درباره جایگاه ایران در زمینه پیوند عضو توضیح داد: اسپانیا در جایگاه نخست پیوند عضو قرار دارد و کشور ما نیز جایگاه سی‌ویکم را از آن خود کرده است. حدود ۳۰ سال است که اسپانیا توانسته رتبه نخست پیوند عضو را از آن خود کند و سپس آمریکا، پرتغال، بلژیک و اسلونی در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

ضرورت فرهنگ‌سازی در زمینه اهدای عضو

نایب‌رئیس هیات‌مدیره انجمن اهدای عضو ایرانیان با بیان اینکه ایران از منظر تکنولوژی با کشورهای پیشرفته تفاوتی ندارد، افزود: ایران از منظر پیوند و اهدای عضو دارای کرسی‌های بین‌المللی است و نتایج و خروجی پیوند عضو در ایران با کشورهای پیشرفته تفاوتی ندارد. موضوع این است که عضو قابل پیوند می‌بایست در دسترس باشد تا پزشکان‌مان بتوانند عمل پیوند را انجام دهند. با توجه به این شرایط باید گفت آنچه که در زمینه پیوند عضو از عمل پیوند مهم‌تر است، فرهنگ‌سازی و سرتس‌سازی مورد نیاز اجتماعی است.

۳ ضلع تشکیل‌دهنده پیوند عضو

وی با بیان اینکه پیوند عضو از سه ضلع تشکیل می‌شود، تصریح کرد: «علم»، «تجهیزات و امکانات» و «فرهنگ» سه ضلع تشکیل دهنده پیوند عضو هستند. علم که پایه و ضلع اول پیوند عضو به حساب می‌آید و ۲۰ درصد در نجات جان بیماران نقش دارد. میزان سهم تجهیزات و امکانات در حفظ نجات بیماران پیوند عضو حدود ۳۰ درصد است؛ اما سهم فرهنگ در این میان از دو ضلع دیگر بیشتر است. نقش رسانه، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگ‌ساز، نقش نام‌آوران عرصه‌های فرهنگ، علم، ادب و هنر کشور ۲٫۵ برابر نقش پزشکان است.

ضرورت آمادگی جامعه برای پیوند عضو

او ادامه داد: پیوند عضو، یک کار تکنولوژیک و علمی است و در صورت در دسترس بودن عضو قابل پیوند انجام می‌شود؛ اما موضوع این است که جامعه برای رضایت پیوند عضو آمادگی داشته باشد. هنگامی که پیوند عضو در کشور پیشرفت نمی‌کند نباید مسئولان حوزه سلامت را به چالش کشید، بلکه تمام مسئولان حوزه فرهنگ، خیرین، حامیان و نام‌آوران عرصه‌های مختلف باید پاسخگو باشند. شرایط می‌بایست به نحوی باشد که فرهنگ مردم ایران در ارتباط با مرگ مغزی مانند مردم اسپانیا باشد و مرگ مغزی را مرگ حتمی قلمداد کنند.

تفاوت «کما» و «مرگ مغزی»

وی با بیان اینکه طبعی است که مردم تفاوت میان «کما» و «مرگ مغزی» را ندانند، توضیح داد: هنگامی که مرگ برای درمان بیماری به پزشک مراجعه می‌کنند، بدون چانه‌زنی نسبت به مصرف داروی تجویزی اقدام می‌کنند یا به نیت درمان خود را به تیغ جراحی پزشکان می‌سپارند. این موضوع را مطرح کردم تا بگویم پزشکان مرجعی برای تشخیص مرگ مغزی یا کما هستند؛ من از مردم می‌خواهم همانطور که برای تشخیص یک بیماری به پزشک اقتدا می‌کنند، تشخیص و اعلام مرگ مغزی را نیز پذیرا باشند.



۸ عضو قابل اهدا

نایب‌رئیس هیات‌مدیره انجمن اهدای عضو ایرانیان درباره مرگ مغزی گفت: در مرگ مغزی، رخن‌سانی داخل مغز به طور کامل متوقف می‌شود؛ به همین دلیل پس از مدتی مغز متلاشی می‌شود؛ ام‌های مغزی می‌میرند و گردش خون برای فرد مرگ مغزی را با استفاده از لوله اکسیژن می‌توان برای چند روز حفظ کرد.

هشت عضو بدن قابل اهدا هستند و می‌تواند جان هشت نفر را نجات دهد. من از خانواده‌های افراد مرگ مغزی می‌خواهم به جای اینکه اعضای عزیزان خود را به خاک بسپارند، با این اعضا، جان بیماران نیازمند پیوند عضو را نجات دهند.

وی افزود: مغز در افرادی که در کما به سر می‌برند سالم است و این افراد فوت شده قلمداد نمی‌شوند. فرد مرگ مغزی در نهایت به مدت ۱۴ روز به وسیله دستگاه‌ها قابل نگه‌داشتن است. من به عنوان یک پزشک می‌گویم که فرد مرگ مغزی و فردی که در کما به سر می‌برد از روی ظاهر قابل تمایز نیستند و وضعیت آنها با معاینات پزشکی تشخیص داده می‌شود. من از مردم می‌خواهم که تشخیص میان کما و مرگ مغزی را به پزشکان واگذار کنند. همان‌طور که تشخیص بین بیماری آیدنیسیست یا التهاب کیسه صفرا را به پزشکان واگذار می‌کنند.

باور مرگ مغزی، مهم‌ترین عامل نجات بیماران نیازمند عضو

قبادی گفت: خانواده‌های افراد مرگ مغزی با اعلام رضایت برای پیوند عضو می‌توانند برای عزیزان خود باقیات و صالحات داشته باشند. باور مرگ مغزی، مهم‌ترین عامل نجات جان بیماران نیازمند پیوند در تمام دنیا به حساب می‌آید و هر کشوری در این زمینه فرهنگ‌سازی کرده، توانسته است جان بیماران پیوند عضو را نجات دهد. امیدوارم که مسئولان کشور هنگامی که یک نفر از بستگان آنها به پیوند عضو نیاز دارد، متوجه اهمیت فرهنگ‌سازی در زمینه ترویج پیوند عضو نشوند، چرا که آن زمان بسیار دیر است. امیدوارم که فرهنگ‌سازی گسترده در زمینه پیوند عضو شکل گیرد.